

گمانی در باب بیتی از غزلیات شمس

مجید منصوری

به نظر می‌رسد که «سیب شیب» تصحیف «شیب و تیب» و یا «تیب و شیب» باشد. فرهنگ‌های قدیم در تعریف این ترکیب چنین نوشته‌اند:

شیب و تیب: شیب تیب. تیب و شیب. از اتباع است به معنی سرگشته و مدهوش. از فرهنگ اسدی، برهان، غیاث. سرگشته و پریشان و مدهوش بود و در کار خود غافل (دهخدا: ذیل شیب).

مهم‌ترین عاملی که سبب گردیده ترکیب مورد بحث دچار تصحیف شود، آمدن «سیب» (که احتمالاً یا تصحیف تیب است یا تصحیف شیب) است در کنار «درخت» و همین امر سبب گردیده که مصححان و چه بسا ناسخان غزلیات شمس، شیب و یا تیب را به معنی میوهٔ سیب بدانند و این خطا تا جایی پیش رفته که در فرهنگ‌هایی چون شرفنامهٔ منیری و برهان قاطع در مقابل واژهٔ «تیب» نوشته شده: «تیب: بر وزن و معنی سیب و بی‌قرار و سرگشته» (شرفنامه منیری). «تیب: بر وزن و معنی سیب است که عرب تفاح گوید» (برهان). در انجمن آرا و آندراج آمده: «اینکه صاحب برهان گفته به معنی سیب است که عرب تفاح گوید، خطاست؛ شیب را سیب خوانده‌اند و تفاح دانسته‌اند» (به نقل از دهخدا: ذیل تیب).

همچنین کاربرد اندک این ترکیب در آثار نظم و نثر فارسی نیز دلیل دیگری است که سبب گردیده صورت درست این ترکیب دانسته نشود.

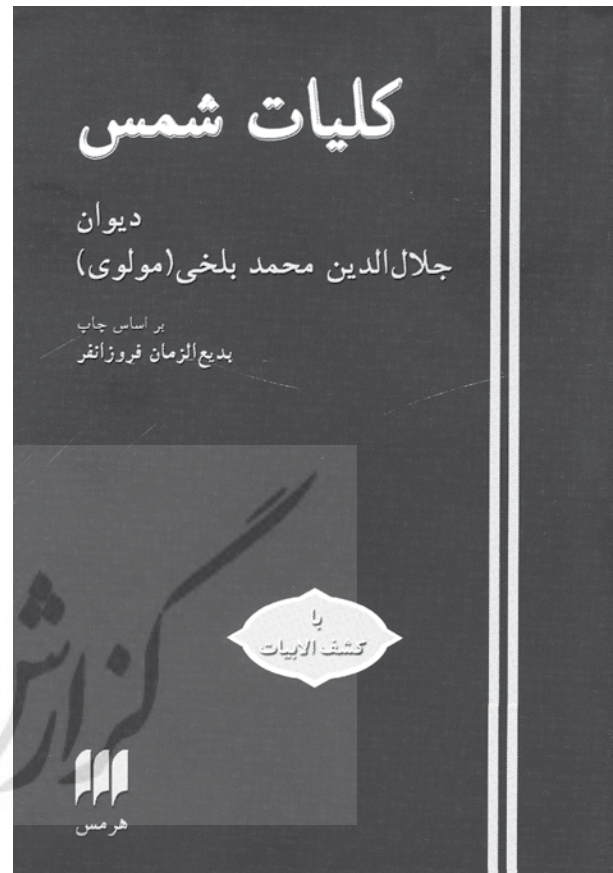
شواهدی که در لغتنامهٔ دهخدا برای ترکیب «شیب و تیب» آمده، عبارت است از دو بیت ذیل منتسب به رودکی و عمارهٔ مروزی:

شیب تو با فراز و فراز تو با نشیب
فرزند آدمی به تو اندر به شیب و تیب

(رودکی، ۱۳۷۳: ۶۹)

نبوده مرا ایچ با تو عتیب
مرا بی گنه کرده‌ای شیب و تیب

(عمار، به نقل از دهخدا: ذیل شیب)



در غزلی از مولانا ترکیبی آمده که تا حدودی غریب است و در بافت کلام و بیت، معنی محصلی از آن به دست نمی‌آید. ترکیب مورد نظر «سیب شیب» است در ابیات ذیل:

به سر درخت مانم که ز اصل دور گشتم
به میانهٔ قشورم همه از لباب گویم
من اگر چه سیب شیبم ز درخت بس بلندم
من اگر خراب و مستم سخن صواب گویم

(مولوی، ۱۳۸۶: ۶۴۰)

دکتر شفیعی کدکنی در گزیدهٔ غزلیات شمس این غزل را آورده‌اند و ضبط بیت مذکور منطبق است بر تصحیح مرحوم فروزانفر و تنها در شرح بیت نوشته‌اند: «شیب: سرازیری» (مولوی، ۱۳۸۷: ۲/۸۵۵).



نکته‌ای که هنوز نیز پذیرش این پیشنهاد را ظاهراً اندکی با مشکل رو برو می‌کند، ادامه مصرع است: «ز درخت بس بلندم» و ما معتقدیم که این بخش از نحو مرتبط است با بیت پیشین آن: «به سر درخت مانم که ز اصل دور گشتم/ به میانه قشورم همه از لباب گویم».

دیگر اینکه بین «شیب» و «بلند» در این بیت صنعت ایهام تضاد برقرار است نه صنعت تضاد؛ اگر به شاهدهی که از رودکی ذکر شد، نگرسته شود، آن بیت نیز همچنان صنعتی دارد.

منابع:

- انجوی شیرازی، میرجمال‌الدین حسین، فرهنگ جهانگیری، به اهتمام رحیم عقیقی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۵.
- تبریزی، محمد حسین بن خلف، برهان قاطع، به اهتمام محمد معین، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- رودکی سمرقندی، جعفر بن محمد، دیوان، تصحیح و شرح جعفر شعار، تهران: مهد مینا، ۱۳۷۸.
- قطران تبریزی؟، فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار، منسوب به قطران، به تصحیح علی‌اشرف صادقی، تهران: سخن، ۱۳۸۰.
- قوام فاروقی، ابراهیم، شرفنامه منیری، به تصحیح حکیمه دبیران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵.
- مولوی، غزلیات شمس تبریز، به کوشش محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن، ۱۳۸۷.
- مولوی، کلیات شمس، بر اساس چاپ بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: هرمس، ۱۳۸۶.

در فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار (منسوب به قطران) آمده: «شیب: به دو معنی است. یکی سرگشته و مدهوش و شیفته را گویند:

نبوده مرا ایچ با تو عتیب
مرا بی‌گنه کرده‌ای شیب‌شیب^۱

(قطران تبریزی؟، ۱۳۸۰: ۱۴۷)

در غالب فرهنگ‌ها «شیب و تیب» یا «تیب و شیب» از اتباع دانسته شده حال آنکه باز خود آنها برای «تیب» تعریف نوشته‌اند. برای نمونه در فرهنگ جهانگیری آمده: «تیب: سرگشته و مدهوش» (جهانگیری). برای لخت دیگر این ترکیب نیز معنی «آشفته و مدهوش» هم مضبوط است: «شیب: آشفته و مدهوش. سرگشته و بیخبر» (برهان).

بنابراین به احتمال قریب به یقین، صورت صواب و ضبط صحیح بیت در غزل مولانا می‌بایست چنین باشد:

به سر درخت مانم که ز اصل دور گشتم
به میانه قشورم همه از لباب گویم
من اگرچه شیب و تیمم ز درخت بس بلندم
من اگر خراب و مستم سخن صواب گویم

این ضبط پیشنهادی همچنین از مناظر دیگری نیز مرجح به نظر می‌رسد:

الف. «شیب و تیمم» از لحاظ ویژگی عطفی درست در مقابل «خراب و مستم» قرار می‌گیرد.

ب. از لحاظ معنایی نیز «شیب و تیمم» درست در برابر «خراب و مستم» قرار می‌گیرد و چنانکه پیش از این به آن اشاره رفت، معنای‌ای که فرهنگ‌ها برای «شیب و تیب» نوشته‌اند، «آشفته و مدهوش» است.



۱. «در تحفه شعر به حقیقی (۱) و در جهانگیری به دقتی نسبت داده شده است، اما به نظر می‌رسد که این بیت تغییر یافته بیت زیر باشد که در لف ق به منجیک نسبت داده شده است: نبود ایچ مرا با بتم عتیب/ مرا بی‌گنهی کرد شیب‌شیب» (حاشیه همان)